

گذری بر

«حدیث بیداری»

ابوالفضل هدایتی

باورهای مکتبی و مردمی، و طرح پاره‌ای از رویدادها و مواضع امام و امت، که در این اثر به چشم می‌خورد، از اعتبار و اقبال آن حکایت دارد. کتابی که پیش روی من است، چاپ هفتم (خرداد ۱۳۷۸) آن بود، که ۲۵۸ صفحه دارد، و به مناسبت، تصاویر رنگی رجال دین و سیاست و نیز حضور حماسی مردم، همراه خیر و نظر، در آن گنجانده شده است. ذکر چند نکته خالی از فایده نیست: صفحه‌ای که نمودار فهرست کتاب می‌باشد، شماره صفحات در آن درج نشده، از این رو خواننده را در رجوع به متن با دشواری مواجه می‌سازد. و دیگر آن که تقسیم فصل‌ها در چند بخش کلی، بر سهولت مراجعه و دریافت مطالب می‌افزاید، که متأسفانه رعایت نشده است.

نویسنده در گفتاری تحت عنوان پیشینه تاریخی، نخست به تقارن تولد امام با میلاد حضرت زهرا - سلام الله علیها - پرداخته و ناکامی دشمنان نبوت و عدالت و باروری شجره ولایت و امامت، و رویکرد فطرت‌های بیدار به سمت پیام‌رهای رسول امین را مطرح می‌کند. از آن پس به طرح دوران ظلمانی اروپا و حاکمیت تفتیش عقاید در لوای مکتب مسیح، و ظهور سرمایه‌داری و استعمار پیدا و پنهان غرب، و استمرار بی‌کفایتی‌ها و بیدادگری‌های شاهان تا عهد قاجار، و عزل و نصب دولتمردان در سفارت‌خانه‌های خارجی می‌پردازد که وجدان رهبری را بیدار ساخته و سبب صدور فتوای انقلابی میرزای شیرازی و فریادگری مصلح بزرگ اسلام و شرق، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و قیام‌های نویدبخش علمای ایران و عراق می‌گردد. آری، در چنین شرایطی در روز بیستم جمادى الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی)، روح الله الموسوی الخمینی (در شهرستان خمین) پای بر خاکدان طبیعت نهاد. (ص ۱۲-۱۴).

نویسنده از دوران رشد و تحصیل و تدریس امام خمینی (ره)



حدیث بیداری، نگاهی به زندگیانه آرمانی، علمی و سیاسی امام خمینی، حمید انصاری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۲۵۸ ص، پالتویی.

حدیث بیداری پاسخی است به درخواست دوستداران امام و انقلاب در خارج از کشور. چنان که در پیشگفتار آن آمده، مقاله بلندی است که زندگی رهبر فقید انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد و ابعاد علمی و سیاسی شخصیت نظرگیر معظم له را - تا آن جا که در حوصله یک مقاله می‌گنجد - می‌نمایاند. اطلاع کسافی و ادب و انصاف، بهره‌یابی واقع‌بینانه از نگرش‌های سیاسی امام خمینی - قدس سره - در مقاطع گوناگون نهضت، گزیده‌گویی و در عین حال تلاش در راستای تبیین آرمان‌ها و

چنین یاد می‌کند: شهادت پدر به دست اشراک (۱۲۸۱ شمسی)، محروم ماندن از سرپرستی و عواطف مادر و عمه مکرمه و شجاع خویش در نوجوانی (۱۲۹۶)، هجرت به حوزه علمیه اراک، جهت ادامه تحصیل حوزوی (۱۲۹۸) و بهره‌گیری از محضر شیخ عبدالکریم حائری، رفیعی قزوینی، مسجدشاهی اصفهانی، میرزا جواد ملکی تبریزی و میرزا محمد علی شاه‌آبادی، در اخلاق و عرفان، فقه و اصول، فلسفه شرق و غرب در حوزه علمیه نو بنیاد قم، و دیدار با علمای مهاجر و معترض اصفهان به رهبری حاج آقا نورالله اصفهانی (۱۳۰۶)، تماس فکری و روحی با مرحوم سید حسن مدرس، تدوین و نشر رساله کشف الاسرار (۱۳۲۲)، استمداد از علمای بلاد جهت قیام و نجات مردم (۱۳۲۳)، تدریس فقه و اصول و فلسفه و عرفان، و تربیت عناصر متعهد و خدمتگزار اسلام و کشور، همچون دکتر بهشتی و استاد مطهری، و دعوت حوزه علمیه قم از آیت‌الله بروجردی برای سکونت در قم و شرکت در جلسات درس ایشان، و مدد رساندن زعیم شیعه در مسائل حوزوی و اجتماعی و سیاسی، تلاش برای جلوگیری از اعدام نواب صفوی، ارتباط با عناصر سیاسی موجه در تهران؛ در دوران نهضت ملی، پیگیری مستمر مذاکرات مجلس شورای ملی و نشریات معتبر، و سعی در حمایت از اقتدار مرجعیت و حوزه‌های علمیه، و انتقال اطلاعات سیاسی و اجتماعی و ارزیابی‌های خویش از مسائل روز، تارحلت آیت‌الله بروجردی (۱۳۴۰) و تألیف کتب اخلاقی و عسرفانی و فقهی. (ص ۳۸-۱۵)

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در کابینه علم (مهر ۱۳۴۱) اعتراض امام و مراجع و مردم را برانگیخت و سرانجام به لغو علنی آن منجر گشت (آذر ۱۳۴۱). اعلام انقلاب سفید شاه و اصلاحات مورد نظر وی و نیز درخواست فرزندم (دی ماه ۱۳۴۱) بار دیگر به قیام امام و حوزه علمیه انجامید. بیانیه‌ها خطاب‌ها و اقدام‌های رهبر فقید انقلاب در بیداری حوزه و جامعه مذهبی، رویارویی با شاه و سیاست‌های مغایر با شریعت و قانون اساسی را، به نمایش می‌نهاد، که در نهایت، فاجعه فیضیه (۱۳۴۲) و دستگیری امام و تبعید به ترکیه را سبب گشت. (۱۳۴۳)، و پس از گذشت یازده ماه، ناچار از سفر به عراق شد. دوران تبعید امام در نجف، با تدریس خارج فقه و تحمل کارشکنی‌های مقدس‌مآبان و دنیاخواهان و در ارتباط با مبارزان مسلمان داخل کشور و هدایت فکری و حمایت مالی آنان و انتظار ایام‌الله سپری گشت. دفاع از فلسطین و صدور فتوا مبنی بر حرمت هر گونه رابطه تجاری و سیاسی دولت‌های

اسلامی با اسرائیل، مقارن جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل (خرداد ۱۳۴۶)، رژیم شاه را در یورش به منزل امام خمینی در قم و غارت آثار و اسناد دستگیری حاج سید احمد خمینی، فرزند برومند امام و تنی چند از روحانیون، به گستاخی واداشت. انتشار سلسله درس‌های ولایت فقیه، در ایران و عراق و در موسم حج، شور تاره‌ای به مبارزه اسلامی بخشید. (بهمن ۱۳۴۸). گروه‌ها و سازمان‌های داخلی در ارتباط با امام و مواضع انقلابی-اسلامی، مورد تحلیل نویسنده قرار می‌گیرد و آنگاه به روشنگری‌های چهره‌های برجسته حوزه و دانشگاه-استاد مطهری، دکتر مفتاح، دکتر باهنر، مهندس بازرگان و دکتر علی شریعتی- اشاره می‌نماید و تجلیل امام از خدمات اندیشمندان روشنفکر و مسلمان و عنایت آنان را به خطر تحجرگرایان و پرهیز از طرح مسائل اختلاف‌انگیز، خاطر نشان می‌سازد. (ص ۳۸-۹۰)

محکوم نمودن جشن‌های تحمیلی دربار، حمایت از مبارزان فلسطینی و تحریم شرکت در حزب رستاخیز و اعتراض به تغییر تاریخ رسمی کشور، و بهره‌برداری از فضای باز سیاسی کشور، از جانب امام خمینی، و اهانت به معظم له و شهادت حاج آقا مصطفی (۱۳۵۶) و جنش مردم و رهبر انقلاب و هجرت به پاریس، یوم‌الله ۲۲ بهمن و فراندنم جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی، تسخیر لانه جاسوسی، توطئه منافقین و افشاگری ماهیت آنان به وسیله امام، جنگ تحمیلی و دفاع ۸ ساله ملت سلحشور ایران، دفاع از پیامبر اسلام و طرد سلمان رشدی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، و استعفای قائم مقام رهبری، مسائلی است که در سیر و گذر نویسنده طرح شده است. (ص ۹۰-۱۷۱)

ارائه تصویری از آرمان‌ها و هدف‌های سیاسی و اجتماعی و اخلاقی بنیانگذار جمهوری اسلامی، زینت بخش فصلی دیگر از کتاب است. (ص ۱۷۴-۲۰۰). نویسنده، آنگاه به رحلت جانسوز امام، و شور و عشق امت در فراق رهبر، و گزینش آیت‌الله خامنه‌ای توسط مجلس خبرگان رهبری، پرداخته است. (ص ۲۰۰-۲۱۳)

در پایان با آثار علمی امام در عرصه‌های اخلاق، عرفان، فقه، اصول، فلسفه، سیاست و جامعه، آشنا می‌شویم، که به پاره‌ای از آن اشاره می‌کنیم: شرح دهای سحر، شرح جنود عقل و جهل، حاشیه بر شرح فصوص الحکم ابن عربی، شرح چهل حدیث، آداب نماز، حاشیه بر اسفار، رساله الاستصحاب و تفسیر سوره حمد. (ص ۲۱۴-۱۴۴).